

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سیدموسی عثمان هستی

۲۳ نومبر ۲۰۱۳

## چوگفتی دلیلش هم بیاور

مرادردیست دردل نتوان گفت برمنحوس

که اوباپرونی می کند تاریخ را معکوس

وارونه تابکی می نویسی ای مرد دیوث

مگرتونوکر امپریالیست هستی یا اذروس

شاعری وزن و بیترازو

گرچه نمی خواستم که پاچه پاک خود را به دهن اشخاصی بدهم که تبصره سرنوشته آنها بی فایده است. در این اواخر آن قدرسگ انترنتی زیادشده که بحث با آنها به مانند آن است که شخص درهاون آب بگوید و برخورد قلمی باین اشخاص نه تنها ضایع کردن وقت است بلکه برخوردهای طولانی باخاینانی که درفسطه گوئی و وارونه نویسی ید طولی دارند نسلهای بعدی را درقسمت گذشتگان شان به گمراهی نیز خواهد کشانید.

بعضی وقتها نه تنها جواب دادن یک نوشته خاینانه بالای یک انسان تحمیل می شود وجدان سالم انسانی که ازقضایا آگاهی کامل دارد او را مجبورمی کند که درنقش فقیر بیغرض از ترس به دهن سگ صاحب خانه هم بزند

زنده یاد داکتر فیض، داکتررضا قندهاری وزنده یاد داکترفضل احمد که درصنف پنجم طب بود وفات نمود روحش شاد، هم صنف بودند و رفیق و دوست سیاسی هم بودند محمدحسن سهاک لغمانی که درفراه متولد شد و در قندهار ابتدائیه و لیسه راخواند و شامل فاکولته اقتصاد شد امروز در شهر ما زندگی می کند از همراکابان نزدیک داکترفیض بود. زندیاده میرویس فراهی وزندیاده صالح آهی دوستان این دومرتتاریخ از مجید وفیض بودند صالح آهی توسط منصورهاشمی ازطیاره به دریای پنج انداخته شدهچنین آنها رفیق نزدیک عصمت قندهاری که درایران توسط حزب اسلامی به شهادت رسید، بودند

دیگراز همراکابان زنده یاد داکترفیض و زنده یاد خواهرم مینا که من افتخار برادری معنوی رازسالهای طولانی با آن زن فداکارداشتم و دارم.

این یک مقدمه بود که من درسازمان رهائی نیودم ولی روابط نزدیک با فیض و خانواده او ومادر با شرف آن من راکمتراز فیض دوست نداشتم

زنده یاد عبدالمجید کلکانی که همصنفی من بود چندین سال دوست و یار داکتر فیض بود و انشعاب هم نتوانست که خط قرمزین دوستی آنها بشکند

انجنیر میراعظم شاه و انجنیر جیلانی هر دو برادر پسر مامای پدر من بودند انجنیر میراعظم شاه را در خانه مازلمی جان می گفتیم و از میر غلام نبی برادرش کوچک تر بود و از میر غلام جیلانی برادر خود بزرگ بود دو زنده یاد انجنیر میراعظم شاه را در داخل گروپ رهائی به نام شیرمی شناختند چه نام مستعارش شیر بود.

انجنیر میر غلام جیلانی و هاشم کامرانی با گروپ رهائی به زندان رفتند و با آمدن ببرک که زندانی ها آزاد شدند میر غلام جیلانی هم آزاد شد بابرادر خود زنده یاد انجنیر میراعظم شاه به طرف پاکستان با دوازده نفر رفتند که از آن تاریخ از آنها کسی خبر ندارد زن و اولادهای زنده یاد انجنیر میراعظم شاه در آلمان زندگی می کند

اینکه من با داکتر فیض و مجید کلکانی چقدر نزدیک بودم و با آنها همکاری نکردم و بعد از این که داکتر فیض و مجید کلکانی یکجا بودند و جاد شدند من به حیث یک دوست باقی به هر دو طرف ماندم و بارافتخار دوستی شان راتاحال به شانه دفاع از آنها می برم من نمی خواهم که اختلاف درونی یک حزب و سازمان را تشریح کنم امور مملکت خویش خسروان دانند.

رهبری سازمان داکتر فیض دوستان بیخبر و دشمنان آگاه به خاطر میراعظم شاه زلمی یا شیرو و همسنگران وی که در راه پاکستان گم شدند بعد از شهادت زنده یاد داکتر فیض و زنده یاد مینا سالها زیر سؤال دوست و دشمن قرار گرفتند و این روش ظالمانه در حق فیض و مینا بود و است من سر شخصیت پاک این دوجزوی ترین اشتباه ندارم

تنها این قدر می گویم که داکتر فیض و مینا، به راه خود به وطن خود، به مردم خود و به همسنگران خود خاین نبودند و اسنادی هم موجود نیست حتی وارونه نویسان تاریخ که بی وجدان ترین انسانهای کره زمین می باشند جرأت این را ندارند که بگویند داکتر فیض و مینا به راه خود، به وطن خود، به مردم خود و به همسنگران خود خاین بودند فیض و مجید مروارید روشن تاریخ مبارزات افغانستان در دریای خروشان مبارزاتی مومج و ناقرار، به خاطر آزادی انسان از قید دیگران بودند

هیچ اتهامی نمی تواند که دامن پاک مجید و فیض را لکه دار کند قربانی دادن مجید و داکتر فیض با قربانی دادن تمام زنده یادان رهبران شعله جاوید فرق دارد و استثنائی می باشد این هر دو در کارزار مبارزاتی دستگیر و به شهادت رسیده اند که مبارزات زنده یاد مینا را کمتر از این تو مبارزاتش نفس نمی دانم

این مقدمه به خاطری بود که کسی را محترم میرویس ودان به خاطر وارونه نویسی آن گوشمالی قلمی داده من به آن شخص خاطر نشان کنم، کسانی دوست مجید و فیض بودند و امروز محقق تاریخ معاصر افغانستان هستند بیطرفانه قضاوت می کنند و در تحقیق خود سره را از ناسره جدا می کنند کسانی که چند روزی با این دو زنده یاد بودند همسنگر صادق خاین بودند فکر نکنند که هر چیز داخل حزب می دانند

مادر تمام رهبران چپ و راست احزاب و جریان های سیاسی افغانستان به سویه فیض و مجید در سیاست مخفی کار نداشتیم و پختگی این دونفر در سیاست پنهان کاری سیاسی شان بود.

استاد مهران در پهلوی این که ب اگر اوپ این دوزنده یاد چه تماس سیاسی داشت به او کاری ندارم امروز که به حیث یک محقق تاریخ شهرت یافته و زحمت هم می کشد این به این معنی نیست که من به همه کارهای تحقیقاتی آقای مهران موافق هستم ولی نسبت به من از جریانات درون ساما و رهائی اگر صد فیصد بیشتر خبر ندارد حالا که تحقیق می کند، مطمئن هستم که ۹۰ فیصد از جریانات مخفی ساما و رهائی آگاهی دارد

من بدون اسناد حرف نمی زنم. روزی ما با هم تلفونی صحبت می کردیم در تلفون از گپ گپ خیست من گفتم: فلان کس که نویسنده شاعرو محقق خود را قلمداد می کند مبارزه هم کرده در زندان به نام یک سامائی شهرت یافته است: او خنده

کرده گفت: من شاعر، نویسنده و محقق بودن وی رانه تأیید می‌کنم و نه رد ولی این قدر می‌دانم که سامائی نبوده است. حالا دزد هم می‌گوید یا خدا صاحب خانه هم می‌گوید یا خدا این شخص به نام سامائی زندانی نشده بلکه دوسیه جنائی داشته است.

راستی من که تا صد درصد چیزی نزد من ثابت نشود و در قسمت آن معلومات نداشته باشم و تحقیق نکرده باشم بدون اسناد، شواهد، دلایل و قراین نه نوشته می‌کنم و نه ابراز نظر در قسمت فلان شخص (...). که گفت سامائی نبوده، مهرین او را از نزدیک می‌شناخت و از سوابق خودش و خانواده اش آگاهی کامل داشت و آن شخص نمک پرورده خاندان خود استاد مهرین بود و در یک نوشته خود مستقیماً به نمک خوری خود در خانواده مهرین یاد آور شده بود.

ولی تا وقتی که او را من نشناخته بودم و در قسمت وی تحقیق نمی‌کردم او را مرد مبارز و زنجیر شکن می‌شناختم چون من از افغانستان در زندگی حاکمیت تره کی برآمده بودم و این آقا از من کوچک تر بود در زمانی که من در افغانستان بودم نام او را نشنیده بودم با این سروصدائی که حالا او را دوست و دشمن می‌شناسد تنها از روی نوشته و قلم او را می‌شناختم نه با خصوصیتی که مهرین و دیگران در زندان او را می‌شناختند که چه روابطی با «رزاق حریف» معاون سیاسی زندان پلچرخ داشت روح مطلب در این جا است امید است که آقای مهرین نوشته شخصی را که در قسمت داکتر فیض وارونه نویسی کرده، بخواند و نقد و ابراز نظر نماید